

Critical Survey on Risk Management in Controlling Administrative Corruption in Relation with Criminological Discourse

Mehdi Mehrpour Khameneh¹, Hasan Hajitabar Firouzjaei², Mehdi Esmaeli³

¹ PhD. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran. Mehrpour6@gmail. com

² Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran (**Corresponding author**). hajitabar@yahoo. com

³ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. dresmaeli@yahoo. com

Abstract

The aim of the present study is the survey on risk management in controlling administrative corruption in relation with criminological discourse. This study is theoretical and fundamental in terms of its purpose and is descriptive and analytical in nature. The results have been depicted that crime risk management was developed in the postmodern world with a model based on it and a realist approach. In this context, crime was considered as an inevitable event in the social context. The criminal justice law, influenced by some economic and political events, was created with the goals of social promotion and punitive functions such as incapacitation, intensification of control over criminals, and non-criminal measures and proceeding such as control over places, in order to control crime with situation-oriented and offender-oriented measures. In the modern management approach, due to its role in the postmodern discursive system, crime is viewed as a fluid, unstable, continuous, and natural phenomenon. This approach, through scientific and empirical research, seeks to identify criminals by determining crime levels in terms of high and low risk. This issue called criminal crime management is the result of the dominance of the ideology of securitization in policies and methods to increase the cost-effectiveness, effectiveness, and accountability of relevant institutions in European and American countries. Crime risk management, using the crime risk measurement method, deals with statistical classifications of the level of delinquency (low-risk and high-risk) in context of society and takes security measures by identifying and predicting the probability of crime. The classification of crime levels based on statistical criteria is a representation of the instrumentality of man (individual agent) as an administrative-social actor. In addition, due to the fluidity and uncertainty in the postmodern discursive system, the determination of the

Cite this article: Mehrpour Khameneh, M., Hajitabar Firouzjaei, H. & Esmaeli, M. (2024). Critical Survey on Risk Management in Controlling Administrative Corruption in Relation with Criminological Discourse. *Philosophy of Law*, 3(1), p. 193-214. <https://doi.org/10.22081/phlq.2024.70026.1072>

Received: 2023-12-07 ; **Revised:** 2024-01-11 ; **Accepted:** 2024-02-14 ; **Published online:** 2024-04-03

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



criterion and some other criteria of crime in the whole discursive systems is quite different. Accordingly, the possibility of applying wills in determining the criterion is one of the disadvantages of such management. The discourse of modern management was created with the expectation of the instrumentality of man as an administrative-social actor with the function of maximizing profit. Accordingly, established rules as instrumental values take precedence over human ideals such as freedom and justice.

Keywords: Criminological discourse, risk management, administrative corruption, criminals.



آسیب‌شناسی مدیریت خطر در مهار فساد اداری با گفتمان جرم‌شناسی

مهدی مهرپور خامنه^۱، حسن حاجی تبار فیروزجایی^۲، مهدی اسماعیلی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله املی، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران. Mehrpour6@gmail.com
^۲ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران (نویسنده مسئول). hajitabar@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dresmaeli@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مدیریت خطر در مهار فساد اداری با گفتمان جرم‌شناسی است. این پژوهش از نظر هدف نظری و بنیادی بوده و براساس ماهیت، توصیفی و تحلیلی است. نتایج نشان داد که، مدیریت ریسک جرم در دنیای پسامدرن با الگوی مبتنی بر آن و رهیافت واقع‌گرایی، تکوّن یافت. در این بافتار، جرم، رویداد گریزناپذیر زیست اجتماعی تلقی شد. نظام عدالت کیفری متأثر از برخی رویدادهای اقتصادی و سیاسی با اهداف ارتقاء اجتماعی و کارکردهای مجازاتی بسان ناتوان‌سازی، تشدید کنترل مجرمین و اقدامات غیرکیفری همانند کنترل مکان‌ها، به دنبال کنترل جرم با تدابیر وضعیت‌مدار و بزهکارمدار ایجاد گردید. در رویکرد مدیریت نوین، به جهت واقع‌شدن در نظام گفتمانی پسامدرن، جرم، پدیده‌ای سیال، بی‌ثبات، پیوستار و طبیعی است. این رویکرد با بررسی علمی و تجربی، در پی شناسایی مجرم‌ان با تعیین سطوح جرم از جهت پرخاطر و کم‌خطر است. این مدیریت جرم کیفری، ناشی از سیطره ایدئولوژی امنیت‌گرایی در سیاست‌ها و روش‌هایی جهت افزایش میزان مقرون‌به‌صرفه بودن، اثربخشی و پاسخ‌گویی نهادهای مربوطه کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌باشد. مدیریت خطر جرم، با روش سنجش خطر جرم، به طبقه‌بندی‌های آماری میزان بزهکاری (کم‌خطر و پرخاطر) در جامعه پرداخته و با شناسایی و پیش‌بینی احتمال جرم، اقدامات تأمینی را انجام می‌دهد. طبقه‌بندی سطوح جرم بر موازین آماری، بازنمایی از ابزارگونگی انسان به‌عنوان کنشگر اداری - اجتماعی است. افزون بر آن، به دلیل سیال بودن و عدم قطعیت در نظام گفتمانی پسامدرن، تعیین معیار و ملاک جرم در نظام‌های گفتمانی متفاوت است. براین اساس، امکان اعمال سلیقه در تعیین معیار، از آسیب‌های چنین مدیریتی است. گفتمان مدیریت نوین، با انتظار ابزارگونگی انسان به‌عنوان کنشگر اداری - اجتماعی با کارکرد حداکثری سود ایجاد شد. براین اساس، قواعد ایجاد به‌عنوان ارزش ابزاری بر آرمان‌های آدمی، بسان آزادی و عدالت، تقدم دارد.

کلیدواژه‌ها: گفتمان جرم‌شناسی، مدیریت خطر، فساد اداری، بزهکاران.

پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری با عنوان: بررسی راهکارهای ارتقاء و سلامت نظام اداری کشور با تاکید بر جرم‌شناسی مدیریتی، رشته حقوق جزا و

جرم‌شناسی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله املی مازندران است.

استاد به این مقاله: مهرپور خامنه، مهدی؛ حاجی تبار فیروزجایی، حسن؛ اسماعیلی، مهدی (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی مدیریت خطر در مهار فساد اداری با گفتمان

جرم‌شناسی. *فلسفه حقوق*، ۱۳(۱)، ص ۱۹۳-۲۱۴. <https://doi.org/10.22081/phlq.2024.70026.1072>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



۱. مقدمه

جوامع در پیوستار تاریخ، برای نگهداشت خود در برابر انواع بزه‌ها، با بهره‌مندی از حقوق کیفری، اقدام به اعمال مجازات به گونه‌های سزادهی، بازدارندگی، اصلاح، توانگیری و کنترل جرم نموده‌اند. رهیافت حقوق کیفری جرم‌محور، با تکیه بر عدالت سزاگرایی مبتنی بر استحقاق مجازات و تنبیه بزهکار، آنگونه که با دیگران رفتار کرده؛ در پی عدالت مطلق در گستره زیست اجتماعی بود (Johnston, 2002, p. 88). اندیشه عدالت به مثابه استحقاق و تلافی و مکافات، برگرفته از اندیشه کانت بود (کانت، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲-۱۹۴). نوع نگره وظیفه‌گرایی اخلاقی وی، با تعمیمی در گستره حقوق هم‌بازنمون یافت و وظیفه حقوقی افراد جامعه، احترام به قوانین اجتماعی بود و تعرض به قوانین، غیرقابل اغماض و جرم^۱ تلقی شد (کانت، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱). چنین دیدگاهی برای جلوگیری از بزه‌های اجتماعی، ضروری دانسته شد و کیفر، نمود جرم تلقی شد (هگل، ۱۳۷۸، ص ۴۵۹-۴۶۰، ۱۳۶). سزاگرایی، به دلیل توجه به قانون به عنوان یک مفهوم یا نهاد اجتماعی و نادیده‌انگاری انسان به مثابه واقعیت هستی، غیراخلاقی دانسته شد. در برابر چنین نگره سخت‌گیرانه کیفری، با ابتناء به سنت، نظریه‌های انسان‌محورانه در قالب عدالت ترمیمی^۲ در پرتو مکتب اثبات‌گرایی یا تحقیقی، با روش اجتماع‌گرایانه با رویکرد علت‌یابی جرم و اصلاح بزهکاران پدید آمد. چنین روی‌آوری اصلاح‌گرایانه به مجرمان، در سده بیستم با تکیه دولت رفاه^۳ تا محدوده سال ۱۹۷۰م در آمریکا، اروپا و سپس در دیگر نقاط جهان به کار گرفته شد (Sylvester, 2003, p. 493-494). طرفداران^۴ عدالت ترمیمی، همه طرف‌ها از جمله بزهکار، بزه‌دیده و دیگران به گونه میانجی‌گر، باید در فرآیند جبران خسارات، شفاف‌بخشی، درمانگری، التیام، بهبودی و اصلاح‌گری مشارکت کنند (رایت، مارشال، مایز، ۱۳۸۹، ص ۶۸). بازتوانی اجتماعی، بازنمایی از جامعه و تاب‌آوری در بازپذیری مجرمان، از اهداف عدالت ترمیمی بود. در این رهیافت، بزهکاران، بزه‌دیده‌دیروزی هستند که از انواع امکانات اجتماعی، محروم ماندند و قربانی کنش‌های نهادهای اجتماعی شدند. البته چنین نگره‌ای با انتقادهایی همراه بود که نظام عدالت کیفری، منابع و داشته‌های ارزشمند و مورد نیاز جامعه را صرف مخاطره‌افکنان و دشمنان جامعه می‌کند؛ اما نرخ جرم کاهش نیافته است. با تقابل عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی در نظام حقوق کیفری، زمینه برای پیدایی نظریه مدیریت خطر

۱. مفهوم جرم در نظام‌های گفتمانی مختلف دارای برداشت ناهمسان است، همانند آنچه در حقوق کیفری، جرم را فعل یا ترک فعلی دانسته که برای آن مجازات مشخص شد (عبدالفتاح، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱).

2. Restorative Justice

۳. welfare state: دولت رفاه نهاد قرن بیستم است که نهاد قدرت را موظف به تأمین خدمات و بهبود رفاه عمومی کرد.

۴. Marc Ancel: مارک آنسل (۱۹۰۲-۱۹۹۰) بنیان‌گذار مکتب دفاع اجتماع نوین در علم حقوق برای پیشگیری و اصلاح مجرمین است.

در گستره نهادها و سازمان‌های اجتماعی فراهم شد. نظام نوین کیفری^۱، برای نگهداشت سرمایه‌های جامعه و اثربخشی برنامه‌های آن در کاهش نرخ جرم، بازگشت به کیفر را یادآور گردید (صفاری، ۱۳۹۴، ص ۳۱-۳۰). مدیریت نوین، حوالی سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۴ با افول دولت‌های رفاه، با مبانی واقع‌گرایی اجتماعی، طبیعی بودن جرم و قابلیت اجتناب از آن، تکوّن یافت. این دیدگاه، برای مجرم‌ان پرخطر^۲ یا مزمن، زندانی درازمدت و برای مجرم‌ان کم‌خطر، مجازات‌های جایگزین با محتوای نظارتی تدارک دید. تلاش ایده نوین، کم کردن هزینه نگهداری مجرم‌ان کم‌خطر^۳ از سوی نظام عدالت کیفری و بالا بردن توان عدالت کیفری برای برخورد با مجرم‌ان پرخطر است. در ادامه، پدیده جهان‌شمول^۴ فساد اداری^۵ با تولید انواع آفت‌های اجتماعی^۶ و اخلاقی^۷، زمینه مبارزه با آن را در گستره ناهمسان اخلاقی و حقوقی از سوی دولت‌ها و نهاد قدرت فراهم ساخت. در این جهت، الگوی مدیریت خطر با رهیافت فایده‌گرایانه^۸ با نگره نوین در نظام عدالت کیفری، به گونه حداقلی در گستره فساد اداری با عقلانیت ویژه، در پی گشایش بحران، کنترل و مهار فساد است.

در این راستا، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که: آسیب‌های مدیریت خطر در مهار فساد اداری کدامند؟

پرسش‌های فرعی نیز عبارتند از:

الف) فرآیند مدیریت خطر در نظام اداری چیست؟

ب) مدیریت نوین خطر در گستره جرم‌شناسی با چه آسیب‌هایی روبه‌رو است؟

1. New Penology

2. Career Criminal

۳. ملاک شناخت کم‌خطری یا پرخطری جرم مشارکت، شدت، مدت و تکرار در رفتارهای مجرمانه است (Blumstein & et.al., 1986: vol. 1, p. 23-26).

۴. سیاست‌گذاری‌ها در گستره بین‌الملل جهت مبارزه با فساد اداری بسان پیمان (۲۰۰۳) سازمان ملل متحد در این حوزه با متعهد کردن دولت‌های هم‌پیمان در پی شناسایی و تنظیم شیوه مناسب برای جلوگیری از فساد اختلاس و رشوه است (بارانی، ۱۳۹۳، ص ۶۶-۶۷).

5. Administrative corruption

۶. Social scourge: بسان رشوه، اختلاس، سرقت، کلاهبرداری، اخاذی، سوء استفاده از نفوذ در شرایط برخورد منافع، پیشنهاد یا پذیرش انعام و مساعده غیرقانونی، تبعیض و پارتی‌بازی، کمک‌های سیاسی غیرقانونی، پول‌شویی که از مصادیق چنین آفتی هستند.

7. Moral disaster

۸. Utilitarianism: سودگرایی (جری بن‌تام) درستی یا نادرستی گزاره یا کنش‌ها را در میزان سود دانست. در این اندیشه اجرای کیفر را با منافع حاصل از اجرای آن برای جامعه توجیه کرد. در این نگره اعمال مجازات نه با هدف رساندن درد و رنج بزهکار، بلکه به پیشگیری از جرم و بازدارندگی از منظر مجازات توجه شد (فرج‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸). این اندیشه در برابر Retribution/ سزاگرایی کاتی قراردادده بزهکار به تناسب جرم مجازات می‌گردد (Norrie & Alan, 2002, p, 16).

پاک‌نهاد (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «سیاست جنایی ریسک‌مدار»، فرآیند تکوینی گفتمان ریسک‌مدار و جلوه‌های سیاست جنایی مدیریت خطر را بررسی کرده است.

نایی و همکاران (۱۳۹۸)، نیز در پژوهشی با عنوان «پیشگیری موقعیت‌مدار در پرتو جرم‌شناسی مدیریتی»، جرم‌شناسی مدیریتی را در قالب تدبیرهای کنشی با تأکید بر پیشگیری موقعیت‌مدار، اعم از محیطی و وضعی، بر مبنای نظریه‌های فرصت جرم و پنجره‌های شکسته، در کنترل و پیشگیری از بزهکاری بررسی کرده‌اند.

حسانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران»، بسترهای پیاده‌سازی رویکرد مدیریت ریسک، از سوی نظام دادرسی کیفری ایران را بررسی کرده‌اند.

مصباح یزدی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «سلامت اداری و راه‌های مبارزه با فساد اداری»، به آسیب‌شناسی نظام اداری و شناسایی راهکارهای مبارزه با فساد اداری با هدف نیل به سلامت اداری در نظام اسلامی پرداخته است.

۲. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

سیاست‌های کیفری هر نظام گفتمانی^۱، وابسته به زاویه دید و نگرش‌های آن می‌باشد. بر این اساس، جرم‌انگاری و شیوه مواجهه با آن هم، بسته به نوع نظام گفتمانی -پیشامدرن، مدرن و پسامدرن^۲- است. در واقع، نظام گفتمانی ویژه، کنش‌های اندیشه‌ای و رفتاری در گستره فردی و اجتماعی را سامان می‌دهد. از جهت وجودشناسی، تکون نظریه نوین مدیریت ریسک جرم، در بستر گفتمان پسامدرن و با بنیان‌های معرفتی در قالب بافتار تکوینی ایجاد شد.

۲-۱. نظام اداری و فساد اداری

نظام اداری^۳، مرکب از دو واژه «نظام» و «اداری» است. نظام، به معنای مجموعه عناصری است که با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و به وسیله حد و مرزی از محیط خود جدا می‌شوند، و اداری منسوب به اداره است (عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۶). در اصطلاح، این تعبیر به معنای فعالیت بوده و در جنبه مادی، به همه

۱. منظور از گفتمان در این جستار مجموعه قواعد، الگوها و معیارهایی است که در محدوده زمانی و مکانی ویژه، آگاهانه یا ناآگاهانه بر افرادی که در آن قرار دارند، تحمیل شده و کنش‌ها را سامان می‌دهند (هارلند، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ تاجیک، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

۲. Postmodern: مکتب فلسفی، فرهنگی و هنری پساتجدد و واکنش به نوگرایی است و بر سیالیت، ابهام، تردید، عدم قطعیت و نبودن ملاک و معیار تأکید دارد (سیدمن، ۱۳۹۱، ص ۲۵۰-۲۵۷).

3. Administrative system

کنش‌هایی گفته می‌شود که نهاد قدرت یا دولت^۱ برای نگهداشت نظم عمومی و یا تأمین نیازهای عمومی انجام می‌دهد. از جنبه سازمانی، اداره به مجموع تشکیلات و سازمان‌های تحت سرپرستی قوه مجریه اطلاق می‌شود؛ که اجرای فعالیت‌های متعددی را با امکانات مادی و انسانی برای هدف ویژه به عهده دارند (امامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۳؛ موسی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۶). تعبیر فساد اداری^۲ هم، مرکب از واژه فساد به معنی تباه شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، بدکاری، شرارت، ضدصلاح، نادرستی، تقلب، ناراستی و هر کنش ناشایست و ناپسند است (دهخدا، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۲۱). این واژه از کلمه لاتین "Rumper" معادل انگلیسی "Corruption"، در معنای شکستن هر چیزی یا نقص آن در گستره رفتار اخلاقی، کارکردها، اهداف، شیوه قانونی و مقررات اداری است (تانز، ۱۳۷۸، ص ۴-۴۶؛ حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۳۰). برداشت‌ها از این تعبیر، به دلیل زاویه دید ناهمسان برآمده از فرهنگ‌های مختلف درباره منافع عمومی، متفاوت است. در برداشتی، تعبیر فساد اداری به همه فعالیت‌ها و تصمیمات اداری گفته شده که منسوبان به اداره با اتخاذ آن، منافع شخصی، گروهی، حزبی و نهادی مرتبط به خود را تأمین نموده و در عوض به منافع عمومی آسیب می‌زنند؛ که از نگاه جامعه، چنین کنشی غیراخلاقی و مضر تلقی می‌شود (هاتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۵-۶؛ عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۸). در گامی فساد اداری، سوء استفاده از اختیارات، امکانات و منابع دولتی با تخلف و قانون‌شکنی برای کسب منافع شخصی و اضرار به منافع و حقوق عمومی است (نجومی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷-۱۰؛ عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۵). فساد اداری، به اعتبار رفتار مجرمانه به اشکال مختلف، مانند رشوه^۳ و اخذ پورسانت، اختلاس^۴، تصرف غیرقانونی، تدلیس^۵، اعمال نفوذ صاحبان قدرت و پارتی‌بازی، کلاهبرداری و اخاذی و باج‌گیری بروز می‌یابد. با توجه به این گفته‌ها، فساد اداری وابسته به نهاد قدرت سیاسی است. چنین کنشگری در نظام اداری فاسد، زمینه‌ساز افزایش جرم، افزایش هزینه‌های امنیت و نظم عمومی شده و در ادامه، این امر باعث ناکارآمدی بهره‌وری از منابع، در بخش عمومی و خصوصی جامعه می‌گردد. تلاش نهاد قدرت در تحوّل نظام حقوق

۱. صدور دستور تشکیل «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی در دهم اردیبهشت ۱۳۸۰ و تصویب آیین‌نامه مبارزه با رشوه در نظام اداری و اجرایی در اسفند ۱۳۸۳، بازنمونی از کنش‌گری نظام حکمرانی ایران جهت مبارزه و پیشگیری از فساد اداری است.

2. Administrative corruption

۳. Bribery: پاداش نامشروعی که برای وادار کردن کارگزار دولتی به تخلف از وظیفه تخصیص داده شده، پرداخت می‌شود (سرداری، ۱۳۸۰، ص ۵-۶)

۴. Embezzlement: اختلاس، به نوع خاصی از جرم خیانت در امانت مأموران دولت اطلاق می‌شود که مأمور برحسب وظیفه قانونی مال دولت که به اوسپرده شده، آن را به طریق نامشروع تصاحب نماید (شامبیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

۵. براساس ماده ۴۳۸ قانون مدنی تدلیس عبارت از عملیاتی بوده که موجب فریب طرف معامله می‌شود. بر این اساس، نوعی ریا و تقلب در معامله بوده و با کلاهبرداری قرابت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷-۳۹۸).

و دستمزد، جذب، ساده‌سازی ساختارها، شفاف‌سازی وظایف و اختیارات، کوچک‌سازی و کاهش تصدیگری دستگاه‌ها، تحوّل در نظام مالی، به‌کارگیری سازوکارهای نظارتی، ارزیابی عملکرد، تشویق کارکنان متعهد و تلاشگر و نیز قدردانی از آنها و ارشاد و تنبیه افراد متخلّف، در این جهت است.

۲-۲. بافتار تکوینی جرم‌شناسی مدیریتی

دانش جرم‌شناسی در توالی زمان با رویکردهای متفاوت، به علل وقوع جرم و پدیده مجرمانه پرداخته است. در این میان، رویکرد جرم‌شناسی کلاسیک با گذار از اندیشه و طرح مجرمانه به عمل جنایی، در پی علت‌شناسی تجربی جرم و مجرمیت فرد بود. در این نگره، نقش حداکثری با آزادی و اراده افراد در جرم و مسئولیت حداکثری فرد از جهت اخلاقی و حقوقی به پیامدهای مجرمانه اشاره دارد. در برابر آن، رویکرد جرم‌شناسی مکتب تحقیقی یا اثباتی (واکنش اجتماعی)، علت جرم را نهادهای اجتماعی دانسته و درصدد اصلاح و درمان مجرمان برآمد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲-۱۵). با طرح جرم‌شناسی بالینی و پیگیری اندیشه‌های آن در نظام‌های عدالت کیفری، نتایج برخی مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته (در آمریکا و کانادا) نشان داد که جرم‌شناسی اصلاح و درمان (تحقیقی یا سنتی) با توجه به هزینه‌های سنگین برنامه‌های آن، نتایج کاهشی در نرخ بزهکاری نداشت. بالا گرفتن موج مطالبات عمومی برای تأمین امنیت، در پی افزایش ترس از جرم و ناامنی از یک‌سو و افول اندیشه دولت‌های رفاه از سوی دیگر، سبب شد تا زمینه برای جرم‌شناسی عمل مجرمانه در قالب اندیشه نوین مدیریتی، در گستره جرم‌شناسی فراهم گردد. نخستین بار، اولریش بک^۱ با به‌کارگیری اصطلاح «جامعه خطر محور»، از پیدایش جامعه مدرنی سخن گفت که در نتیجه تلاقی خطرات طبیعی موجود در جامعه و خطرهای جدید ناشی از عملکرد انسان، پدید می‌آید. در چنین جامعه‌ای، آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مدیریت خطرات گوناگون و حتی غیرقابل پیش‌بینی در زندگی بشری است. در این رویکرد، جرم از جهت هستی‌شناختی به مثابه منشأ ایجاد خطر و ناامنی در جامعه تلقی شده، که امکان حذف کامل آن وجود ندارد؛ بلکه پدیده‌ای اجتماعی است که باید از طریق کاربرست راهبردهای مناسب، تا حدّ ممکن آن را برای اجتماع انسانی، قابل تحمل نمود (آقابابایی، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۸). بر این اساس، نگره پیشینی که بر علت‌نگری و تلاش در جهت علت‌پیدایی جرم با دو رویکرد ساختاری یا غیرساختاری^۲ بود، نادیده گرفته شد. بودگی، گریزناپذیری و طبیعی‌پنداری جرم، زمینه نگره این‌همانی با قواعد طبیعت در شیوه

۱. Ulrich Beck: جامعه‌شناسی آلمانی (۱۹۴۴-۲۰۱۵) و مبدع نظریه جامعه خطر (Risk society) است.

۲. جرم‌شناسی ساختاری، زمینه‌های پیدایی جرایم را فراتر از اراده فرد مجرم می‌داند و آن را به مؤلفه‌ها و نهادهای اجتماعی مرتبط می‌کند. در مقابل جرم‌شناسی غیرساختار آن را همبسته به اراده فردی و مؤلفه‌های روانشناختی می‌داند که در

تعارض با منافع عمومی و مانند آن است (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶)

روی آوری به جرم را پدید آورد. باتوجه به تجربه‌پذیر بودن امور طبیعی، امور انسانی بسان جرم و بزه‌های اجتماعی، به گونه تجربی، قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی تلقی شد. در نگره نوین، پدیده جرم بسان پدیدارهای طبیعی، دارای بودگی و پیوستار در زیست اجتماعی دانسته شد. هسته مرکزی چنین گفتمانی، طبیعی بودن جرم و اجتناب‌ناپذیری آن است (Feeley & Simon, 1992, p. 173). در این مواجهه نوین، نشان داده شد که بخش بزرگی از رفتار مجرمانه، در حیطه گروه‌های کوچک است. این رهیافت، برخلاف نگره پیشین، برخورد حذفی و پیشگیرانه با معلول جرم نداشته، بلکه تلاش دارد با جرم، به‌عنوان مؤلفه پیوستار اجتماعی، برخوردی مدیریتی و کنترلی داشته باشد. در عوض، مجرمان به دو گروه کم‌خطر و پرخطر تقسیم شده و در پی شناسایی و مدیریت گروه پرخطر، که اقلیت اجتماعی بزهکاران است، می‌باشد. البته بن‌مایه نظریه نوین، مبتنی بر انسان‌شناسی پسامردن است. انسان در این گفتمان، تنها باشنده هستی است که پرسشگری دارد و برخلاف سایر باشندگان، وجود زیست‌شناسانه نداشته، بلکه زندگی می‌کند. در این زندگی، آدمی از جهان خود آگاهی داشته و با بهره‌مندی از آزادی، تصمیم می‌گیرد و در برابر کنش‌های خود، مسئول است (هایدیگر، ۱۳۷۶، ص ۱۷؛ احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰-۲۵۷). اهمیت آدمی، وابسته به موقعیتی است که در هستی دارد و اراده آدمی، متأثر از بودگی در موقعیت و شرایط ویژه‌ای که در آن واقع شده، می‌باشد و هستی، خود را در انسان آشکار می‌کند (مک کواری، ۱۳۷۶، ص ۴۲-۴۳؛ احمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۵-۹۶، ۱۰۷). بر این اساس در این گستره، فردیت، آزادی، مسئولیت و نقش بافتار در تعیین بخشی از کنش‌های انسان، مورد توجه است.

۳-۲. بررسی اجمالی مبانی مدیریت خطر

مدیریت خطر جرم با مبانی نظریه‌های پنجره‌های شکسته، تسامح صفر، قانون سه ضربه و منطق مکدونالدی در قالب عدالت سنجشی با دغدغه اقتصادی، در پی بهره‌مندی بهینه از بودجه و امکانات در دستگاه عدالت کیفری و کم کردن هزینه‌ها است. در این جهت، تلاش آن متمرکز بر اجتماع، مجرمان پرخطر و سابقه و شدت جرم است و سویه فردی را نادیده می‌گیرد. در ادامه، این مدیریت با مبانی مکدونالدی و مجازات سه‌ضربه‌ای با عقلانیت مبتنی بر هزینه و فایده و مجازات‌های ازپیش تعیین شده، به دنبال مهار جرم است (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰-۱۲۹). افزون‌بر آن، در این نظام مدیریتی با رویکرد سه‌ضربه‌ای، بر سوابق کیفری و فرض مجرم پرخطر تکیه شده که پس از سه‌بار تکرار جرم (برپایه عدالت آماری و سنجشی)، فرد از اجتماع اخراج می‌گردد. از دیگر مبانی این مدیریت، نظریه پنجره شکسته است. کارکرد این نظریه در گستره اجتماعی، یاری‌رساندن به آدمیان برای خوب‌زیستی از جهت محیط سالم و احساس امنیت و آرامش در باهم‌بودگی است. شیشه شکسته و رها شده ساختمانی، زمینه بی‌اهمیتی و تعرض به آن را، در توالی زمان، در اجتماع فراهم می‌سازد. بر این اساس، نظارت و کنترل پیشگیرانه و سرکوبگرانه، بسان حبس‌های درازمدت و جداسازی از اجتماع انسانی با اهداف توانگیری،

بازدارندگی و اِرعاب فرد برای جرم‌های بالقوه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ص ۶۱۱-۶۱۰؛ خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۳). از تدابیر نظارتی آن، تمرکز بر بزه‌کار و مجرمان خطرناک با تدابیر پیشگیرانه و جداسازی آنها از اجتماع است؛ و برای مجرمان غیرخطرناک، بالا بردن هزینه‌های ارتکاب جرم و طراحی محیط بازدارنده جرم، به دنبال کاهش بزه در میان این گروه است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۷، ص ۱۹-۱۸).

مدیریت نوین با آمیختگی رویکردهای پیشینی به پدیده جرم، مجرمان و متولیان حقوقی، و کاربست عدالت سنجشی برای نگهداشت امنیت و سامان‌بخشی جامعه، رهیافتی خشن و غیرانسانی با مجرمان خطرناک و مزمن و طرد آنان از زیست اجتماعی دارد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۲، ۲۹). خویشکاری/وظایف چنین مدیریتی با الهام از مبانی نظریه مکدونالدی^۱، پنجره شکسته^۲ و تسامح صفر^۳، تلاش گسترده در جهت کاهش احتمال وقوع رخداد‌های نامطلوب و یا کاهش اثرات منفی وقایع نامطلوب در فرآیند شناسایی، تصمیم‌گیری، انتخاب و اجرای با صرفه (هزینه و فایده)، به همراه کاربست شگردهای مؤثر در کمینه‌سازی جرم، و قابل تحمل نمودن آن در زیست اجتماعی است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۳۷؛ ماری، ۱۳۸۳، ص ۳۴۸-۳۴۸). البته مدیریت خطر، همگامی نظام حقوق کیفری با سیاست و نهاد قدرت، در اجرای کیفرهای حقوقی است. نوع سیاست‌ورزی نظام حکمرانی در روی‌آوری به نظریه نوین و عدالت سنجشی، مهم است. بر این اساس، این مفهوم برآمده از غلبه ایدئولوژی امنیت‌گرایی در سیاست‌ورزی کشورهای اروپایی و آمریکا است. چنین مفهومی در نظام عدالت کیفری با طراحی و کاربست روش‌ها در پی افزایش کارایی، اثربخشی، کم‌هزینه کردن، پاسخگو کردن و قابلیت پیش‌بینی است. مدیریت جرم مبتنی بر مبانی بازگفته با رهیافت عوام‌گرایی کیفری، با مهندسی، تأثیرگذاری و اقناع‌پذیری عموم جامعه از راه دستگاه رسانه‌ای، به دنبال جلب همراهی مردم، متناسب با نهاد قدرت و ایدئولوژی موجود در نظام گفتمانی است (فرجی‌ها، ۱۳۸۶، ص ۵۷-۵۹).

بنابر این گفته‌ها، نگره نوین با عقلانیت ویژه به فرآیند خواسته‌ای و تصمیم‌گیری مجرم توجه نداشته، بلکه به مؤلفه‌های محاسبه‌پذیر بودن، کارایی، پیش‌بینی‌پذیری و کنترل مجرم می‌پردازد (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵-۱۳۷؛ نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۵). مدیریت نوین، بر ماهیت پدیده کیفری و

۱. McDonaldization: اصطلاحی که از جرج ریتزر (George Ritzer) گرفته شد و به فرآیند و اصول حاکم بر رستوران‌ها در محاسبه‌پذیری، کارایی، پیش‌بینی و کنترل بود را بر مجازات کیفری تعمیم داد (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

۲. Broken Windows: نظریه پنجره شکسته توسط دو جرم‌شناس دانشگاه هاروارد (جرج کلینک و جیمز ویلسن، ۱۹۸۲) در نشریه «آتلانتیک مانلی» مطرح شد. براساس آن غفلت از جرایم کوچک، زمینه جرایم بزرگ را فراهم می‌کند.

۳. Zero tolerance: بازگشت به نظام اندیشه‌ای عدالت مطلق با شیوه سزادهی و سرکوبگری، بدون انعطاف حتی در برابر جرایم کوچک و نفی سیاست مدارایی است که برآمده از نظریه پنجره‌های شکسته است (صفاری، ۱۳۹۴، ص ۲۸-۳۰).

شرایطی که بزه در آن روی می‌دهد، تمرکز کرده و معتقد است مجرمین، کنشگران عقلانی^۱ هستند و بر پایهٔ هزینه-فایده و درک فرصت‌ها^۲ و موقعیت‌ها، کنش‌های خود را سامان می‌دهند. در این جهت، با توجه به پیوستاری جرم، جرم‌شناسی مدیریت خطر با شناسایی شرایط بالقوه، به دنبال کم‌جاذبه کردن و پرهزینه ساختن جرم برای بزه‌کاران است (گسن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰-۱۱۳). این مدیریت برای کنترل جرم و فرصت‌ها و موقعیت‌های مجرمانه، از شیوه‌های آماری علت‌یابی و تکنولوژی بهره می‌گیرد.

۲-۳-۱. نقد برخی مبانی مدیریت جرم

باتوجه به اینکه مدیریت خطر جرم با بنیان‌های انسان‌شناسی پسامدرن، تکون یافت؛ به نظر می‌رسد در جهاتی، مبانی انسان‌شناختی آن نادیده گرفته شد. این نظریه با ابزارانگاری انسان به ساحات تفرد انسان، ازجمله ساحت آگاهی و ذهن انسان اهمیت نداده و با خنثی‌سازی آن، آدمی را در حد ابزار، کاهش داده و توانایی اندیشیدن (نسبت به خدا، خود، هستی و دیگران) را از انسان گرفت. مدیریت نوین، بر ماهیت پدیدۀ کیفری و شرایطی که بزه در آن روی می‌دهد، تمرکز کرده و معتقد است مجرمین، کنشگران عقلانی تلقی شده و بر پایهٔ هزینه-فایده و درک فرصت‌ها و موقعیت‌ها، کنش‌های خود را سامان می‌دهند؛ و به مؤلفهٔ روان‌شناختی و موقعیت وی در اجتماع و شرایط ویژه‌ای که در آن واقع شده و اینکه کنش‌های وی بازتابی از اجتماع است، توجه نمی‌کند. هرچند در گفتمان پسامدرن، انسان با برخورداری از آزادی، توانایی کنترل کنش‌های خود را دارد؛ اما این آزادی نسبت به بافتار اجتماعی است. در این گفتمان، انتظار ابزارگونگی از انسان به‌عنوان کنشگر اداری یا اجتماعی، با کارکرد حداکثری سود ایجاد شد. بر این اساس، قواعد ایجادیه به‌عنوان ارزش‌ابزاری بر دیگر آرمان‌های انسانی، بسان آزادی و عدالت ارجحیت دارد. لازمهٔ اطاعت از قواعد تنظیمی از سوی نهادهای قانونگذار، هرچند برای کارآمد کردن افراد در نهادها و سازمان‌های اجتماعی است؛ اما خود این قواعد، فرآیندهای بروکراسی و کاغذبازی‌های اداری را تشدید و باعث کاهش بهره‌وری و کیفیت کار می‌شود.

در این جهت، مدیریت نوین با کاربست مبانی نظریهٔ پنجره‌های شکسته و تسامح صفر، درپی موجه‌سازی شیوه سرکوبگرانه مجرمان با گونهٔ تقسیم‌بندی ویژهٔ ازپیش تعیین‌شده است. مردمان در این گفتمان، بسان امور طبیعی تلقی شده که از قابلیت محاسبه‌گری، پیش‌بینی و کنترل بهره‌مندند. براین

۱. Rational Choice theory: تصمیمات عقلانی براساس نظریه (فایده‌گرایی) هزینه و فایده از کورنیش (Derek B. Cornish) و رونالد کلارک (Ronald V. Clarke) در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۶ است که بزه‌کاران با عقلانیت ویژه و توانمندی پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی امور، رفتار منحرفانه خود را سامان می‌بخشند (جوادی یگانه، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۳۸).

۲. Crime opportunity Theory: برگرفته ازپدگاه کوهن (Cohen L. E) و کلوگل (Kluegel J. R) در سال ۱۹۷۹ است که افزایش فرصت (مکانی و زمانی) ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرایم را افزایش، و کاهش فرصت ارتکاب، احتمال وقوع جرایم را کاهش می‌دهد (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۵۰-۵۶).

اساس، به اراده آزاد و انگیزه‌های مجرم در ارتکاب بزه، توجهی ندارد و تنها با تقسیم‌بندی مجرمان در گروه‌های ویژه، کیفر آنان را مشخص نموده است. افزون بر آن، این نگره تنها به کنون جرم، بدون لحاظ پیشینه شخصیت فردی و محیط زیسته وی، تلاش دارد با ابزار نظارتی و کنترلی، جرم را به عنوان امر طبیعی تقلیل دهد. به نظر می‌رسد چنین مدیریتی، عنصر انسانی جرم و ساحات تفرد انسان در حوزه روان‌شناختی (سلامت روان) و در گستره اجتماع، سلامت روان اجتماعی را نادیده می‌گیرد. بنابراین، چنین بینشی، نگاهی تقلیل‌گرایانه به روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی دارد. نادیده‌انگاری این ایده در گستره نقش جامعه و نهادهای اجتماعی در ساختن مطلوب‌های فردی و اجتماعی، ارزش‌گذاری‌ها بر مبنای آن و تأثیرگذاری بر افراد و تمایلات آدمیان در چگونگی تحصیل این مطلوب‌ها، از ویژگی‌های این مبانی است. البته تعیین ضابطه در بازشناسی بزهکاران کم‌خطر و پرخطر از جانب قانون‌گذار، وابسته به بازشناخت مطلوب‌های آن جامعه است. با توجه به تنوع گفتمانی جوامع ناهمسان، تقسیم‌بندی افراد به پرخطر و کم‌خطر برای آسیب‌رسانی به ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه، متفاوت است. بازنمون معیار مشخص، از سوی قانون‌گذار جهت درک مصادیق جرائم خطرناک در قوانین کیفری، این امکان را به قاضی می‌دهد که بر پایه پیشینه، تجربه و اماره‌هایی که قانون‌گذار معین کرده، رفتار کند. نبود معیار دقیق، زمینه سلیقه‌گرایی را فراهم می‌سازد. افزون بر این گفته‌ها، تلقی انسان به سان پدیده طبیعی با قابلیت بازگویی، محاسبه‌گری، پیش‌بینی و کنترل، بر پایه مبانی نظریه مک دونالدی، گامی فراتر نهاده و آدمیان را همانند فناوری‌های غیرانسانی و ماشین‌ها پنداشته است؛ ابزارهایی که نه تنها قابلیت کنترل دارند، بلکه در فرایند افزایش تولید، کنترل کیفیت و کاهش هزینه‌ها هم به کار گرفته می‌شوند. به طور کلی، مدیریت جرم کیفری در نظام گفتمانی تکون یافت که تکنولوژی، رشد فزاینده داشت و زیست آدمی را با بودگی خود تحت شعاع قرار داد. در این نظام، مدیریت با نظم منطقی مبتنی بر ابزارگونگی توسعه یافت؛ اما برای بشر، از آن جهت که انسان است، غیرعقلانی است. از آسیب‌های مدیریت جرم، تظاهر به اصلاح بزهکاران است، که به انباشت مجرمان در زندان‌ها می‌انجامد. اصلاح مجرمان، قربانی مدیریت کارآمد کمی‌نگر می‌شود. با توجه به اینکه مدیریت با مبانی مک‌دونالدی و مجازات سه‌ضربه‌ای با عقلانیت مبتنی بر هزینه و فایده و مجازات‌های از پیش تعیین‌شده، به دنبال مهار جرم است؛ فرآورده مجازات از پیش تعیین‌شده در این دیدگاه، کارکرد قاضی را در تعیین نوع و میزان حکم، کمرنگ کرده و به دنبال آن، تناسب جرم با مجازات رعایت نمی‌شود. بر این اساس، به دلیل نوع نگرش مدیریت نوین در هزینه‌های کیفری، زمینه تراکم دادرسی و حجم زندانی کاسته نمی‌شود (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰-۱۲۹).

۲-۴. مبانی و ساختار عدالت سنجشی

بر پایه عدالت سنجشی، جرم، کنشی ناقض وجدان جمعی، پدیده‌ای طبیعی و گریزناپذیر در زیست

اجتماعی تلقی شده، که به گونه پیوستار در توالی زمان وجود داشته است. در این رهیافت، سازگاری تام با قوانین اجتماعی وجود ندارد و برای جلوگیری از انحراف، انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری جامعه، ضرورت دارد (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹-۱۲۰). بنابراین، جامعه بدون جرم وجود ندارد و افراد جامعه با بهره‌مندی از اراده فردی، کنشی ناهمسو با جریان وجدان جمعی دارند. در این جهت، اقتضای عدالت سنجشی مدیریت جرم برای کاستن جرم و پیامدهای منفی آن است (Slingeneyer, 2007, p. 4). البته رویداد مجرمانه، از نظم طبیعی پیروی کرده و همواره گروه کوچکی از جامعه، آن را در انحصار گرفته‌اند.^۱ با توجه به بودگی پیوستاری، طبیعی بودن جرم همانند قواعد طبیعت از الگوی منظمی پیروی می‌کند. بر این اساس، جرم‌شناسان با سنجش انواع جرم به کم‌خطر و پرخطر و شناسایی بزهکاران بر پایه جرم‌شناسی بالینی^۲، در پی راه‌حل مناسب در رویارویی با پدیده مجرمانه و کنترل آن هستند. عدالت سنجشی بر پایه مکتب فایده‌گرایی با شیوه سختگیرانه، سرکوبگری و عقانیت ویژه مبنی بر پرهیزنه کردن جرم (متناسب با نوع جرم) در عرصه اجتماعی، به دنبال کاهش و کنترل انواع جرم است. بر این اساس، برای مجرمان پرخطر، شیوه توانگیری جهت خنثی نمودن خطرهای بالقوه؛ و برای مجرمان کم‌خطر، از مجازات جایگزین حس استفاده می‌نماید. بنابراین، در دیدگاه عدالت سنجشی به عناصر سنجش‌پذیری، محاسبه‌گری^۳، سودآوری، دقت، قابلیت و اعتماد، توجه شده و مؤلفه‌های پیشینی با شاخصه‌های روان‌شناختی مبتنی بر ساحات تفرد افراد/وجه خاص فردیت و ارزش‌های اجتماعی، نادیده گرفته شد. بر این اساس، عقانیت حاکم بر این نظام، از عقانیت ذاتی در رویکرد اصلاح و درمان مجرم، به عقانیت صوری یا ابزاری با رهیافت جرم‌شناسی مدیریتی تغییر یافت.

۳. فرآیند مدیریت خطر در نظام اداری

در نظام اداری به مثابه امر اجتماعی، وقوع فساد و بزه، طبیعی، اجتناب‌ناپذیر و پیوستار است. مدیریت خطر در گستره اجتماعی نیز، در پی کاهش احتمال وقوع و اثرات منفی رویدادهای نامطلوب است. تلاش در روند تصمیم‌گیری، انتخاب و اجرای باصرفه‌ترین و مؤثرترین کنش‌های ذهنی و رفتاری در رویارویی با خطرات متفاوت اجتماعی، جهت به حداقل رساندن آن، از خویشتکاری این مدیریت می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های امکانات مادی و انسانی، نظام عدالت کیفری با دیدگاه مدیریتی، به دنبال بهینه‌سازی و کارآمدی این امکانات است. هدف اصلی مدیریت خطر، حذف خطر نیست؛ بلکه تغییر محیط است.

۱. در پژوهش‌های آماری ولفانگ، فیلیگو و سلین، نصف جرایم جامعه توسط ۶ درصد از گروه مجرمان انجام می‌گیرد (Jennings, 2006, p. 38).

۲. Clinical criminology: از حلقه‌های اندیشه‌ای نوین جرم‌شناسی است که در پی شناسایی مسئولیت کیفری بر پایه شخصیت بزهکاران است (جزایری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۹-۹۵).

3. Calculability

بنابراین، در این رهیافت، وجود ریسک، امری طبیعی و حتی ذاتی سیستم است و باید با آن همراهی کرد و در جهت کنترل و کاهش اثرات احتمالی آن برنامه‌ریزی نمود (صبوری، ۱۳۸۰، ص ۲۵). فساد اداری با شکستن و نقض شیوه قانونی و مقررات اداری، زمینه انواع ناهنجاری‌ها در گستره رفتار اخلاقی و حقوقی را فراهم می‌سازد (تانز، ۱۳۷۸، ص ۴-۴۶؛ حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۳۰). فساد اداری از سوی منسوبان اداری با سوءاستفاده از اختیارات، امکانات و منابع دولتی صورت می‌گیرد؛ که با تخلف و قانون‌شکنی، تصمیماتی با اتخاذ منافع شخصی، گروهی، حزبی و نهادی مرتبط به خود می‌گیرند و به منافع عمومی آسیب می‌زنند (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۵-۶؛ عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۸؛ نجومی، ۱۳۹۹، ص ۷-۱۰). بنابراین، هدف چنین مدیریتی نظارت، کنترل جرم و تقلیل آن به یک حد قابل قبول از نظر شدت و نرخ ارتکاب جرایم در نظام اداری است. بر این اساس، در مدیریت خطر مطلوب در نظام اداری، فرآیند اولویت‌بندی‌شده منظور است؛ که بر مبنای آن، خطرهای واجد بیشترین زیان‌دهی و بالاترین احتمال وقوع، در مرحله نخست و خطرهای با احتمال وقوع کم‌تر و زیان‌دهی پایین‌تر، در مرحله بعد مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

۳-۱. مصادیق فساد اداری

فساد اداری به اعتبار رفتار مجرمانه به اشکال مختلف، مانند رشوه^۱ و اخذ پورسانت، اختلاس^۲، تصرف غیرقانونی، تدلیس^۳، اعمال نفوذ صاحبان قدرت و پارتی‌بازی، کلاهبرداری^۴، اخاذی و باج‌گیری، تصدّی بیش از یک شغل دولتی و مانند آن، بروز می‌یابد. چنین کنشگری در نظام اداری فاسد، زمینه‌ساز افزایش جرم، افزایش هزینه‌های امنیت و نظم عمومی شده و در ادامه، این امر باعث ناکارآمدی بهره‌وری از منابع در بخش عمومی و خصوصی جامعه می‌گردد. با توجه به این گفته‌ها، فساد اداری وابسته به نهاد قدرت سیاسی است. بی‌توجهی به خواسته‌های عمومی و فساد نظام اداری، مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را در بلندمدت تهدید می‌کند. فساد، عامل شکست سازمان‌ها در محیط است و ادامه حیات و بقای آنان را

۱. Bribery: پاداش نامشروعی که برای وادار کردن کارگزار دولتی به تخلف از وظیفه تخصیص داده شده پرداخت می‌شود (سرداری، ۱۳۸۰، ص ۵-۶).

۲. Embezzlement: اختلاس، به نوع خاصی از جرم خیانت در امانت مأموران دولت اطلاق می‌شود که مأموری برحسب وظیفه قانونی مال دولت به او سپرده شده، آن را به طریق نامشروع تصاحب نماید (شامیاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

۳. براساس ماده ۴۳۸ قانون مدنی تدلیس عبارت از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله می‌شود. بر این اساس، نوعی ریا و تقلب در معامله و با کلاهبرداری قربت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷-۳۹۸).

۴. Fraud: در متون فقهی نیز از کلاهبرداری تحت عنوان احتیال و از کلاهبردار تحت عنوان محتال نام برده شده و محتال به کسی گفته می‌شود که مال دیگران را با حيله و تقلب ببرد که مشمول عنوان کلی تعزیری می‌گردد و برای وی مجازات تعزیری تعیین شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

با مشکل مواجه می‌سازد. اصلاح نظام اداری، یکی از اقدامات اساسی برای تحوّل و توسعه کشورها به حساب می‌آید و بدون این مهم، سایر برنامه‌ها و تلاش‌ها نیز به سرانجام نخواهد رسید. به همین دلیل، دولت‌ها اقدامات فراوانی در جهت اصلاح و بهبود ساختار و تشکیلات اداری خود به منظور کارآمدی و پاسخ‌گویی بیشتر و همچنین کاهش فساد اداری انجام داده‌اند. کنشگری نهاد قدرت با قانون‌گذاری در گستره کنترل دارایی‌های صاحبان قدرت^۱، تحوّل نظام حقوق و دستمزد، جذب، ساده‌سازی ساختارها، شفاف‌سازی وظایف و اختیارات، کوچک‌سازی و کاهش تصدی‌گری دستگاه‌ها، تحول در نظام مالی، به‌کارگیری سازوکارهای نظارتی، ارزیابی عملکرد، تشویق کارکنان متعهد و تلاشگر و نیز قدردانی از آنها و ارشاد و تنبیه افراد متخلف، در این جهت است.

۲-۳. چیستی آسیب‌شناسی و تبیین آسیب‌های مدیریت خطر جرم

مفهوم آسیب‌شناسی^۲ با کارکردی گسترده در دانش‌های تجربی انسانی، از علوم طبیعی گرفته شد. دانشوران به دلیل همانندنگاری میان بیماری‌های اندامی ناشی از اختلال‌ها و تغییر ساختار بافت‌ها و آسیب‌های اجتماعی^۳ (ناهنجاری‌ها)، این مفهوم را برای دانش‌های تجربی انسانی هم به کار بردند. با تکوّن و رشد علوم انسانی، بسان جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی، بهره‌گیری از علوم مختلف در گستره واژگانی و اصطلاحات، برای بیان فرایندهای دانش‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی هم رایج شد. آسیب‌های اجتماعی با محتوای کیفری، ماهیت جرم می‌یابد. در این جهت، مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی در قالب کجروی‌ها، نابه‌سامانی‌ها و بی‌نظمی‌ها با علل و انگیزه‌های پیدایی آنها در رویارویی با پدیده‌های آسیب‌زا، در رفع، بازدارندگی، اصلاح، درمان و بهسازی زیست اجتماعی مؤثر است. آسیب‌شناسی مدیریت جرم، در پی شناسایی و دریافت نابه‌سامانی‌ها، بی‌نظمی‌ها، بحران‌ها و کجروی‌های معرفتی و رفتاری، در گستره هنجارهای رسمی در نظام‌های اجتماعی ناهمسان است. از جهت مبانی، در جوامع مختلف، هنجارهای رسمی مشتمل بر قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی واحدها و مؤسسه‌های تابعه، مانند قانون اساسی، قانون مدنی، قوانین حقوقی و جزایی وجود دارد که امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و سازمانی براساس آن انجام می‌گیرد. هنجارگذاری‌ها مبتنی بر قانون، در پیوند با نظام‌های گفتمانی است. به دلیل تفاوت در نظام‌های گفتمانی از جهت وجودشناختی (دینی، غیردینی به گونه لیبرالیست و سوسیالیست) و معرفت‌شناسی، نوع ارزش‌های جوامع، متفاوت می‌باشد. بر این اساس، نظام‌های حقوقی به‌طور عام و کیفری به‌طور ویژه، مبتنی بر قرار گرفتن در گفتمان ویژه می‌باشند.

۱. اصل ۱۴۲ و ۱۴۲قانون اساسی ایران به این امر اشاره دارد.

2. Pathology

3. Social pathology

۳-۳. آسیب‌های مدیریت خطر در گستره نظام اداری

سازمان‌ها و ادارات، به‌گونه پیوستار و طبیعی در معرض انواع فساد می‌باشند. بر این اساس، مدیریت خطر جرم در نظام اداری با برنامه‌های نظارتی و کنترلی^۱ کارکنان، در پی کاهش فساد، ارتقاء و گسترش توانایی کارکنان، جهت سازگاری با محیط کار و بهره‌وری است. با توجه به مبانی تولید فساد در ادارات، بسان نظریه تقلید^۲، کنترل اجتماعی جرم^۳، جرم‌شناسی سوسیالیستی^۴ و جرم‌شناسی انتقادی^۵ به خویشکاری افراد در تولید فساد، کم و بیش اشاره دارد. با توجه به اینکه نظام اداری، به‌گونه پیوستار و دائمی، درهم‌کنشی و تعامل اجتماعی میان انتخاب فرد و عناصر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و فرد بر پایه آن کنش‌های خود را سامان می‌دهد؛ بر این اساس، مدیریت کیفری جرم به‌عنوان روش نوین و کارکرد معین، در پی کنترل هم‌کنشی‌های بازگفته افراد و اجتماع، در دایره نظام اداری با ابزار قواعدی و امور سخت‌افزاری مدیریت خطر جرم است. با توجه به اینکه در نظام اداری، آدمی با دارا بودن ساحات تفرد (ذهن، خواسته و احساسات و عواطف)، کنشگر اصلی است؛ میزان لحاظ و توجه قواعد و سخت‌افزارهای کاربرستی مدیریت خطر جرم، به او وابسته بوده و بازدارندگی و توانگیری افراد از فساد، مورد توجه آسیب‌شناسی در این گستره است. البته آسیب‌های اجتماعی با ماهیت کیفری به طور اصولی جرم محسوب می‌شوند. در این جهت، مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی در قالب کجروی‌ها، نابه‌سامانی‌ها و بی‌نظمی‌ها با علل و انگیزه‌های پیدایی آنها در رویارویی با پدیده‌های آسیب‌زا در رفع، بازدارندگی، اصلاح، درمان و بهسازی زیست اجتماعی مؤثر است. آسیب‌شناسی مدیریت جرم در نظام اداری نیز بر پایه مؤلفه‌های فرآیندی آن (کشف و شناسایی، ارزیابی، برنامه‌ریزی و پاسخگویی) است. اساس ساختاردهی هدف مدیریت خطر در قالب اهداف سازمان شامل شناخت منابع و شیوه تأمین آنها، تبیین معیارها، ارزیابی، پذیرش و بیان وسعت و دامنه فعالیت‌های مدیریت خطر، از عمده اقدامات و کنش‌های اصلی در مرحله

۱. در ایران هم ماده ۴۸ ق. م. مصوب ۱۳۸۷، الحاقی ق. م. ۱۳۷۰ تلاش کرده با تکیه بر مصادیق محکومیت‌های مؤثر، گستره نظارت را معین نماید (درباره اشکالات این ماده رک.: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۴۰-۷۴۸؛ غلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۱-۱۳).

۲. The theory of imitation: براساس این نظریه، اراده آدمی آمیخته‌ای از جبر و آزادی تلقی شده و افراد در هم‌کنشی با جامعه، شیوه‌های ارتکاب جرم را می‌آموزند (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸).

۳. The theory of social control of crime: پدیده فساد اداری ناشی از گسست همبستگی اجتماعی، تعهد، دلبستگی، درگیر بودن و باور به قوانین دانسته شد (سقاوت، ۱۳۸۱، ص ۶۰-۶۱).

۴. Theory of socialist criminology: ریشه ارتکاب فساد در نابرابری‌های اقتصادی تلقی شده است. فاصله طبقاتی، محرومیت‌های مالی، فقر، عدم امنیت شغلی و مانند آن عامل فساد اداری است.

۵. Theory of Critical Criminology: ریشه و مبانی فساد اداری براساس نظریه جرم‌شناسی انتقادی ساختار قدرت است (Muncie, 2004, p. 145).

برنامه‌ریزی مدیریت خطر به‌شمار می‌رود. سیاست‌گذار یا مسئول سازمان یا اداره‌ای که درصدد برنامه‌ریزی برای مقابله با فساد در مجموعه خود است؛ براساس مجموعه عوامل و شرایط سازمان، نسبت به برنامه‌ریزی و طراحی سیستم کاربردی مورد نظر مدیریت خطر فساد، اقدام می‌کند (بابایی و وزیرجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸). تشخیص ریسک، فرآیندی از شناسایی خطرهای احتمالی مؤثر بر اهداف سازمان و فهرستی از رویدادهای امکانی و علل و عوامل مؤثر در وقوع آن، و تهیه و مستندسازی همه عناصر بازگفته است (عبدایمان، ۱۳۹۸، ص ۴-۳). رویکرد این مدیریت، با الهام از دیدگاه‌های تجربی با طرح ایده‌ای کلی، مجرمان را بیمار تلقی کرد. حال آنکه، انسان با بهره‌مندی از ساحات وجودی ویژه، موجودی منحصر به فرد است و افزون بر بدن، دارای شخصیت پیچیده و چندبعدی است که ارائه یک ایده کلی در خصوص او را ناممکن می‌سازد. با توجه به اینکه اعمال مجرمانه، بخش وسیعی از رفتارهای نابه‌هنجار را در بر می‌گیرد؛ نمی‌توان پذیرفت همه رفتارها ناشی از بیماری بزهکار باشد (راب و هنیز، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶). نظریه اصلاح و درمان با پذیرش مفهوم «حالت خطرناک» به ارائه روش‌های اصلاحی و درمانی در خصوص مجرم می‌پردازد؛ در حالی که، این مفهوم در حیطه نظری دارای تعریفی دقیق، علمی، سنجش‌پذیر و تجربه‌پذیر نیست (راب و هنیز، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). در این صورت، پیامد آن برخوردهای سلیقه‌ای و تضییع حقوق بزهکاران است (کلارکسون، ۱۳۷۰، ص ۲۵۲). شیوه راهبردی اجتناب، با انجام ندادن فعالیت مؤلّد ریسک، ساده‌ترین شیوه مدیریت خطر است که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در آن حذف می‌شود (Pritchard, 2001, p.42). در فساد اداری، بازداندگی مطلق بر طبق نظریه نوین دور نگهداشتن افراد از پست‌های اداری است و با طرح سه‌ضربه‌ای، فرد بزهکار اداری، دوبار پس از ارتکاب خلاف قواعد اداری، مجازات کیفری سرکوبگرانه می‌شود. در گستره کنترل خطر فساد اداری، عدم استخدام افراد دارای سابقه ارتکاب فساد و یا عدم انتصاب چنین افرادی در سبک‌های حساس، بازنمونی از اجتناب ریسک است. کاهش ریسک از راهکارهای مدیریت ریسک‌های سازمان، در احتمال وقوع پدیده فساد است. در این جهت، اقداماتی برای کاهش احتمال یا کاهش تأثیرات ریسک‌های یک سازمان صورت می‌گیرد. حذف پرداخت‌های نقدی و الزام به پرداخت بانکی وجوه در سازمان‌ها و واحدهای اداری، از شیوه‌های کاهش ریسک است؛ که درخصوص خطر فساد اداری به کار گرفته شد.

در مرحله پایانی فرآیند مدیریت خطر، ریسک‌های شناسایی شده، مورد پایش قرار گرفته و نحوه پاسخگویی و واکنش به آنها از حیث اثربخشی و اجرای صحیح، بررسی می‌شوند (Pritchard & Carl, 2001, p. 49). عنصر عقلانیت در رویکرد خطرمدار، به معنای ضرورت تعادل میان حقوق افراد و پیشگیری و محافظت در برابر خطر است (Fu, 2014, p. 77). مؤلفه عقلانیت در انتخاب مناسب‌ترین پاسخ به خطر بزهکاری مفسدان، معنا شده، که هم در تعیین دامنه از سوی سیاست‌گذاران نظام اداری و هم در اعمال آن پاسخ از جانب کنشگران اجرایی و قضایی، مورد توجه قرار می‌گیرد. جوامع

متفاوت، با سطوحی از انواع فساد روبه‌رو بوده و تمایز آنها در چگونگی رویارویی با پدیده فساد و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و مقابله‌ای است. گونه‌های روی‌آوری پیش‌گیرانه با پدیده فساد اداری سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی است. سوبه راهبردی حقوقی با این پدیده به صورت اصلاح قوانین و مقررات، شفاف‌سازی و کاهش ابهام قوانین و مقررات، تدوین و تنقیح قوانین، الزامات قانون‌گذاری، راهبردهای کلان قضایی، استقلال نهاد قضایی و متولی مبارزه با فساد، ارتقای رسیدگی‌های قضایی و اداری، محدودیت‌ها و جرم‌انگاری، برخورد و مجازات، پیش‌گیری از وقوع جرم، مقررات‌زدایی، ارتقای آگاهی‌های حقوقی، مصونیت گزارشگران افشاکن، الزامات حقوقی افشاء، توانمندسازی دستگاه‌های نظارتی، تقویت نظارت‌های سازمانی و ارتقای نظارت‌های مردمی، قابل‌بازنمایی است (الماسی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳). فساد اداری از جهت مرتکبان، به دو صورت فساد کلان (یقه سفید) و فساد خُرد (یقه آبی) قابل تقسیم‌بندی است. فساد کلان، از سوی نهاد قدرت و وابستگان به آن تجلّی می‌یابد که مرتکبان آن به گونه نظام‌یافته و مخرب، فساد می‌ورزند و کمتر شناسایی و مجازات می‌شوند. فساد خُرد از سوی قشر ضعیف صورت می‌گیرد که غالباً شناسایی و مجازات می‌شوند. عوامل مؤثر در ایجاد فساد به گونه فردی، همسته به مؤلفه روان‌شناختی و شخصیتی است و عوامل غیرفردی با عناصر سیاسی، اداری، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی بازنمایی می‌گردد. شیوه حکمرانی در حضور حداکثری یا حداقلی نهاد قدرت در گستره نهادهای اجتماعی و نظام اداری، در میزان و کیفیت فساد اداری مؤثر است. در این جهت، ازجمله آسیب‌ها در مدیریت جرم در نظام اداری، حضور حداکثری نهاد قدرت، سیاسی شدن جرم و پدیده جرایم حکومتی است. از شاخصه‌های جرایم حکومتی، گستردگی حوزه ارتکاب و بزه‌دیدگان، شدت زیان، مسئولیت‌ناپذیری بزهکاران به دلیل قدرت سیاسی یا وابستگی به آن و بی‌دفاع بودن چیزباختگان است. بزهکاران جرایم حکومتی، به دلیل فرادستی و در اختیار داشتن منابع مهم قدرت، از خود دفاع کرده، توانایی مخفی کردن و از میان بردن مستندات و مدارک جرم را دارند. پیامد چنین پدیده‌ای گسترش فقر، بیکاری، گسست سلامت روانی جامعه با پیدایی حس بی‌عدالتی و ویرانی گسترده کرامت انسانی است (عبداللهی، ۱۳۹۰، ص ۸۶-۸۷). حکومت‌ها نیز از جرم‌انگاری رفتارهای جرم‌زای حکومتی، ممانعت می‌نمایند. چنین شیوه حکمرانی، مبتنی بر تبار اندیشه توماس هابز^۱ و مارکس وبر^۲ است؛ که به حق انحصاری حکومت در اعمال خشونت و مسئولیت‌ناپذیری کیفری آن باور داشتند. در این نگره، دولت‌ها و وابستگان به آنها خطاکاری سیاسی و اقتصادی خود را جرم تلقی نمی‌کنند. بر این اساس، ساختارها، قواعد، مقررات و فناوری جهت نظارت و کنترل رفتار مأموران عدالت کیفری به دلیل بهره‌مندی از عوامل مادی قدرت و امکانات، ناکارآمد می‌شود و عناصر اداری هم به دلیل تعارض منافع

1. Thomas Hobbes

2. Max Weber

فردی با سازمان مرتبط، اقدام به فریبکاری، بدکاری و کم‌کاری در گستره اجتماعی می‌نمایند. آنها در حوزه اقتصاد هم به رشوه، اختلاس و مانند آن روی می‌آورند. عدم کفایت روش‌های کنترلی و تنبیهی سازمانی روش‌های مدیریت خطر جرم، زمینه رشد تصاعدی پرونده‌ها را به همراه دارد. افزون‌بر آن، اقتصاد دولتی و تصدیگری دولت، نبود نظارت کامل، وجود ضعف‌های کنترلی و حسابرسی داخلی و مستقل، زمینه‌ساز مفاسد اقتصادی، اختلاس و مانند آن است.

۴. نتیجه‌گیری

مدیریت ریسک جرم در دنیای پسامدرن با الگوی مبتنی بر آن و رهیافت واقع‌گرایی، تکون یافت. در این بافتار، جرم، رویداد گریزناپذیر زیست اجتماعی تلقی شد. نظام عدالت کیفری متأثر از برخی رویدادهای اقتصادی و سیاسی با اهداف ارتقاء اجتماعی و کارکردهای مجازاتی بسان ناتوان‌سازی، تشدید کنترل مجرمین و اقدامات غیرکیفری همانند کنترل مکان‌ها، به دنبال کنترل جرم با تدابیر وضعیت‌مدار و بزهکارمدار ایجاد گردید. در رویکرد مدیریت نوین، به جهت واقع‌شدن در نظام گفتمانی پسامدرن، جرم، پدیده‌ای سیال، بی‌ثبات، پیوستار و طبیعی است. این رویکرد با بررسی علمی و تجربی، در پی شناسایی مجرمین با تعیین سطوح جرم از جهت پرخطر و کم‌خطر است. این مدیریت جرم کیفری، ناشی از سیطره ایدئولوژی امنیت‌گرایی در سیاست‌ها و روش‌هایی جهت افزایش میزان مقرون‌به‌صرفه بودن، اثربخشی و پاسخگویی نهادهای مربوطه کشورهای اروپایی و آمریکا می‌باشد. مدیریت خطر جرم، با روش سنجش خطر جرم، به طبقه‌بندی‌های آماری میزان بزهکاری (کم‌خطر و پرخطر) در جامعه پرداخته و با شناسایی و پیش‌بینی احتمال جرم، اقدامات تأمینی را انجام می‌دهد. طبقه‌بندی سطوح جرم بر موازین آماری، بازنمایی از ابزارگونگی انسان به‌عنوان کنشگر اداری - اجتماعی است. افزون‌بر آن، به دلیل سیال بودن و عدم قطعیت در نظام گفتمانی پسامدرن، تعیین معیار و ملاک جرم در نظام‌های گفتمانی متفاوت است. براین اساس، امکان اعمال سلیقه در تعیین معیار، از آسیب‌های چنین مدیریتی است. گفتمان مدیریت نوین، با انتظار ابزارگونگی انسان به‌عنوان کنشگر اداری - اجتماعی با کارکرد حداکثری سود ایجاد شد. براین اساس، قواعد ایجادیه به‌عنوان ارزش ابزاری بر آرمان‌های آدمی، بسان آزادی و عدالت، تقدم دارد.

منابع

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). *قلمرو امنیت در حقوق کیفری*. تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۲). *هایدیگر و پرسش‌های بنیادین*. تهران: نشر مرکز.
- الماسی، مجید؛ فاطمی، سید محمدحسین (۱۳۹۷). گزارش: پیشگیری و مبارزه با فساد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امامی، محمد؛ استوارسنگری، کوروش (۱۳۸۶). *حقوق اداری*. تهران: انتشارات میزان.
- بابایی، محمدعلی؛ وزیرزنجانی، حمیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت ریسک رویکردی نوین برای ارتقای اثربخشی سازمان‌ها. *تلبیر*، شماره ۱۷۰.
- بارانی، محمد (۱۳۹۳). *پیشگیری از جرائم جهانی تعهد بین‌المللی دولت‌ها*. تهران: میزان.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸). *سیاست جنایی ریسک‌مدار*. تهران: میزان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تانزی، ویتو (۱۳۷۸). *مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد*. ترجمه بهمن آقایی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۹-۱۵۰.
- جزایری، سیدعباس؛ قائدی، امیر (۱۴۰۰). جرم‌شناسی بالینی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران. *فقه و حقوق نوین*، شماره ۵، ص ۸۹-۱۱۳.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. *راهبر فرهنگ*، شماره ۳، ص ۳۴-۶۷.
- حبیبی، نادر (۱۳۸۵). *فساد اداری: عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه*. تهران: مؤسسه انتشاراتی فرهنگی وثقی.
- حسانی، جلال‌الدین؛ میرخلیلی، سید محمود؛ نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، شماره ۱، ص ۲۷-۵۲.
- خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۰). *پیشگیری فنی از جرم (درآمدی بر مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم)*. تهران: میزان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راب، واب؛ هنیز، فیونا (۱۳۸۶). *درآمدی بر جرم‌شناسی*. ترجمه علی سلیمی و دیگران. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رایت، مارتین؛ مارشال، تونی؛ مایکل (۱۳۸۹). *عدالت ترمیمی*. مترجم امیر سماواتی پیروز. تهران: نشر خلیلی.
- سखाوت، جعفر (۱۳۸۱). بررسی اثر زندان بر زندانی. *علوم اجتماعی*، شماره ۲۲، ص ۱-۳۳.
- سرداری، احمد (۱۳۸۰). رویکردی به ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه: بررسی آسیب‌شناسی اداری. در: دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور. تهران: دانشگاه تهران.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۱). *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹). *جرائم علیه اموال و مالکیت*. تهران: انتشارات فروزش.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها، بوروکراسی مدرن ایران*. تهران: انتشارات سخن.

- صفاری، علی (۱۳۹۴). *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی*. تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.
- عباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۷۸). *مسائلی در مدیریت دولتی ایران*. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
- عبدالفتاح، عزت (۱۳۸۱). جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدام است؟ ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد. حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، ص ۱۶۰-۱۳۵.
- عبداللهی، معاذ (۱۳۹۰). *تأثیر مدل‌های حکومتی در جرم‌انگاری جرایم حکومتی*. رساله دکتری. تهران: پردیس فارابی، دانشگاه تهران.
- عبدایمان، سامان (۱۳۹۸). *مراحل مدیریت ریسک پروژه براساس استاندارد PMBOK*. دانشنامه آزاد مدیریت پروژه ایرانیان.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). درآمدی بر آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی در ایران. *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۱، ص ۲-۱۸.
- فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹). تأثیر جرم‌شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی. *تحقیقات حقوقی*، ۱۳(۲).
- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۶). بازتاب رسانه‌ای جرم. *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲، ص ۵۷-۸۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *اعمال حقوقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰). *فلسفه حقوق*. ترجمه منوچهر صانعی دره‌پیدی. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۰). *تحلیل مبانی حقوق جزا*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: مرکز جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰). *بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- گسن، ریمون (۱۳۹۴). *بازگشت جرم‌شناسی*. مترجم سید حسام‌الدین سید اصفهانی. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵(۱۷).
- ماری، فیلیپ (۱۳۸۳). کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا. ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده. *حقوق دادگستری*، شماره ۴۸-۴۹، ص ۳۳۶-۳۶۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). *سلامت اداری و راه‌های مبارزه با فساد اداری*. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۹، ص ۵-۱۲.
- مک کواری، جان (۱۳۷۶). *مارتین هایدیگر*. ترجمه محمدسعید حناچی کاشانی. تهران: سروش.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). *حقوق اداری*. تهران: انتشارات میزان.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). *شیوه‌های پیگیری قضایی سرنوشت امام موسی صدر*. دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۱، ص ۹۱-۹۸.
- نایی، محسن؛ رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۹۸). *پیشگیری موقعیت‌مدار در پرتو جرم‌شناسی مدیریتی*. *فقه و تاریخ تمدن*، ۱۵(۱)، ص ۲۹-۳۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، محمدحسین (۱۳۷۶). روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکار. *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۲۲، ص ۶۰۵-۶۲۸.
- نجفی ابرندآبادی، محمدحسین؛ رستمی، هادی (۱۳۹۱). *رویکرد سزاگرا به کیفر در نظریه لیبرالیسم*. *تحقیقات حقوقی*، ۱۵(۱۰).

نجومی، پریا؛ کاکابرای، کیوان؛ امیری، حسن؛ چهری، آزیتا (۱۳۹۹). *ارائه مدلی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر بازدارندگی فساد اداری (بررسی مؤلفه‌های اعتماد و سلامت سازمانی)*. در: کرج: کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام.

هارلند، ریچارد (۱۳۸۸). *ابرساخت‌گرایی: فلسفه ساخت‌گرایی و پساساخت‌گرایی*. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سازمان‌های سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. مترجم محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علم.

هایدیگر، مارتین (۱۳۷۶). *درآمدی به وجود زمان*. ترجمه منوچهراسدی. تهران: پرسش.
هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۷۸). *عناصر فلسفه حق یا خلاصه‌ای از حقوق طبیعی و علوم سیاست همراه با متن کامل*. افزوده‌های ادوارد گانز براساس یادداشت‌های ه. گ. هوتهو و ک. گ. فون گریز هایم. ترجمه مهبد ایرانی طلب. تهران: انتشارات پروین.

Blumstein, A. & Cohen, J., Roth, J.A. & Visher, C.A. (1986). Criminal Careers and Career Criminals. *National Academy Press*, vol. 1.

Feeley, M. & Simon, J. (1992). The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications. *Criminology*, vol. 30.

Fu, X. (2014). On Rational Response of Criminal Law to a Risk Society. *Canadian Social Science*, vol. 10.

Jennings, W.G. (2006). Revisiting Prediction Models in Policing: Identifying High-Risk Offenders. *American Journal of Criminal Justice*, 31(1), p. 35-50.

Johnston, G. (2002). *Restorative Justice: Ideas, values, debates*. Willan publishing, USA and Canada.

Muncie, J. (2004). *Youth and Crime*. London: UK (SAGE Publications).

Norrie, A. (2002). *Punishment, Responsibility and Justice, A Relational Critique*. Oxford University Press.

Pritchard, C. (2001). *Risk Management Concepts & Guidance*. ESI International, USA.

Slingeneyer, T. (2007). The New Penology: A Grid for Analyzing the Transformations of Penal Discourses. *Techniques and Objectives*, Vol. iv.

Sylvester, D.J. (2003). Myth in Restorative Justice History. *Utah Law Review*.

URL= https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=886201